

ادامه از صفحه اول

شاه‌کشی در شاهنامه

«اختر بلند شاه خاموشی گزیده، به پستی گراییده؛ باید کارش را به پایان برد تا نزد اسکندر جایگاهی رفیع یابیم».

دو دستور بودن گرامی او مرد/ که با او بُدندی به دشت نبرد/ چو دیدند کان دگر بی‌سود گشت/ بلنداختر و نام دارا گذشت/ یکی با دگر گفت کاین شوربخت/ از این پس نینید کار آج و تخت/ بیاید زدن دشنه‌ای بر برش/ دگر تیغ هندی یکی بر سرش/ سکندر سپارد به ما کشوری/ بر این پادشاهی شویم افسری

و چنین کردند و دشنه‌ای را در قلب دارا جای دادند و چون از اسب فروغلتید، به خوری به حال خویش رهایش کردند. اگرچه ماهیار و جانوسپیار خود دچار سرنوشتی تلخ برای این جنایت شدند؛ اما اکنون سخن از نامردی این دو دستور است؛ نه فرجام ایشان.

هرمز، پدر خسروپرویز قربانی دیگری این شاه‌کشی است، پس از طغیان بهرام چوبینه که ناشی از تردیدها، دولی‌ها و ضعف شخصیتی شاه بود، بهرام که در نهانخانه دل در اندیشه‌ش بازگرداندن پارتیان به اریکه قدرت بود، فرصت را غنیمت شمرد و سپاه هرمز را در برابر او قرار داد و با ضرب سکه به نام خسروپرویز، هرمز را چنان وحشت‌زده کرد که پدر به قصد کشتن خسرو، فرزند خویش را به حضور فراخواند و خسرو به فراس‌ت دریافت‌که شاهین مرگ بر فراز سرش در پرواز است و به درایت از مهلکه بگریخت. هرمز از بیم آنکه یاران و نزدیکان فرزندش ضد او دست به توطئه زنند، دو دایی او کستم‌ه و بندوی را به زندان افکند و از دیگر‌سوی پشیمان از فرستادن دوک ریسگشی و جامه‌ زنان برای بهرام و عمکین از آزدن او، تصمیم به دلجویی گرفت و یکی از نزدیکان خویش به نام آیین‌گسب را نزد بهرام فرستاد؛ اما آیین‌گسب قبل از رسیدن به بهرام به دست مرد خون‌ریزی به قتل رسید که او خود به وساطت از زندان هرمز آزاد کرده بود و در بی انتشار خبر کشته‌شدن آیین‌گسب، در درگاه هرمز آن چنان آشوبی برپا شد که نزدیکان بهرام و سپاهیان محافظ او دربار را ترک گفته، یا به خسرو پیوستند یا به بهرام.

بسی نیز نزدیک خسرو شدند/ به مردانگی در جهان نو شدند/ چنان شد که از بی‌شبان‌ی رمه/ پراکنده گردد به روز دمه/ یکی گفت بهرام شد جنگجوی/ به بخت بزرگی نهاده است روی/ دگر گفت خسرو ز آزار شاه/ همی سوی ایران گذار سپاه

بدین‌گونه آشفتگی در تیسفون اوج گرفت و پادشاهی رنگ و بوی خود را دست‌ بداد و هرکس دعویی کرد و دیگر کسی شاه را آفرین گفت که نفرین جای آفرین نشست. و دیگر کاخ شهریاری را حفاظی نبود چه رسد زندانیان را بندی. کستم‌ه و بندوی از این آشوب بهره گرفته و از زندان گریختند.

به بندی و کستم‌ه شد اگهی/ که تیره شد آن فر شاهنشهی/ همه سنگمان بند برداشتند/ یکی را بر آن کار بگماشتند

آن دو خال پرویز باقی‌مانده سپاه هرمز را بر او برانگیختند که اکنون زمان آن رسیده‌که به خسرو پرویز پیوندند که هرمز از خرد دور گشته و دیگر او را شاه مخوانید و کستم‌ه سپاه را برانگیخت که کدام شه‌یار خردورزی به خون فرزند و جانشین خویش دست می‌یازد، و به درگاه هرمز وارد شدند، شاه را از اورنگ شهریاری فروکشیدند و داغ بر چشمش نهادند ولی او را زنده نگاه داشتند.

شدند اندر ایوان شاهنشهی / به نزدیک آن تخت با فرهی/ چو آتاج از سر شاه برداشتند/ز تختش نگون‌سار برگزاستند/ نهاندن سب داغ بر چشم شاه/ شد آن‌گاه آن شمع رخشان سپاه/ ورا همچنان زنده بگذاشتند/ ز کنج آنچند پاک برداشتند

چون خسرو بر اورنگ شهریاری تکیه زد، با دلی پردرد به نزد پدر رفت و از مشاهده وضعیت رقت‌بار پدر سخت آزرده شد و از دیگر سوی بهرام چوبین با کراهی از بازگشت خسرو به تیسفون با سپاه هرمز قصد تصرف تیسفون را کرد و به روشنی به خسرو گفت: «اکنون زمان بازگشت اشکانیان به قدرت فرا رسیده است».

بدو گفت بهرام کای‌مرد گرد/ سزا آن بود کر تو شاهی بُرد/ چو از دخت بابک برزاد اردشیر/ که اشکانیان را بُدی دار و گیر/ نه چون اردشیر اردوان را بکشت/ به نیروشد و تختش آمد به مِشت/ کنون سال چون پانصد برگ‌گشت/سر تاج ساسانیان سرد گشت و چون بهرام چوبینه به تیسفون حمله آورد، خسرو ناگزیر پدر را در تیسفون به جای گذاشت و اما امید یاری‌گرفتن از رومیان به سوسی روم گریخت. اما بندوی و کستم‌ه از بیم آنکه بهرام، سروری هرمز را در تیسفون بپذیرد در نیمه‌ راه روم بازگشتند و زه کمانی در گردن شاه افکندند و او را بکشتند.

ز در چون رسیدند نزدیک تخت/ زهی از کمان باز کردند سخت/ فکندند ناگاه در گردنش/ بیاویختند آن گرامی تنش

آن دو ناخبرج پس از کشتن شاه، شتایان و زردروی به نزد خسرو بازگشتند ولی شاه نو در موقعیتی نبود که بتواند انتقام خون پدر را از خالان خود بگیرد و اگرچه غمی جانکاه بر جانش نشست، باز هم سکوت اختیار کرد و هیچ نگفت. و آن‌گاه که خسرو طغیان بهرام چوبینه را فرونشاند؛ نوبت به آن دو خال رسید که به سختی جان هر دو گیر/ نه چون اردشیر اردوان را سوم است؛ پادشاهی شوربخت، نهادم تیرا به‌جای‌مانده از خاندان ساسانی که با پذیرش مسئولیت شهریاری در دشوارت‌رین برهه تاریخ ایران، جان در راه میهن‌گذاری و بر اثر خیانت یاران، کشته‌شد که خود روایتی است دگر و در مقالتی دگر. در یادداشت دیگری به سرنوشت چند شاه دیگر شاهنامه نیز خواهیم پرداخت.

شرق: خبر مفقودشدن سیدروح‌الله صدرالساداتی، جوان‌ترین عضو مجلس خبرگان رهبری و همراهانش با یک توییٓت به‌سرعت منتشر شد؛ خبری که واکنش‌های بسیاری همراه داشت و برخی ابراز بی‌اطلاعی کرده، برخی اختفای خودخواسته‌ر مطرح و برخی نیز از بازداشت یا آدم‌ربایی ابراز نگرانی کردند. هرچند یک منبع آگاه در گفت‌وگو با «شرق»، مدعی تماس تلفنی مجتبی پرگر (از همراهان صدرالساداتی) با همسر خود در شب پنجشنبه شد؛ با این حال پدر صدرالساداتی‌ها در گفت‌وگو با کانال تلگرامی نزدیک به حجت‌الاسلام غفار عباسی هرگونه یافتن یا نشانه‌ای از پسرانش را تکذیب کرد و گفت تا عصر جمعه ششم محرم خبری از یافتن فرزندانش نیافته و همچنان نگران آن‌ها است. اما منابع رسمی همچنان از توضیح رسمی آنچه رخ داده است، سر باز زده‌اند.

شروع ماجرا

وحدید اشتزی، از فعالان رسانه‌ای و نزدیکان خانواده صدرالساداتی، در کانال تلگرامی خود نوشت: «سیدمهدی صدرالساداتی ساعت دوونیم بامداد چهارشنبه ۱۳ شهریور از قم خارج شده که از فرودگاه مهرآباد برود بندرعباس. تا الان که هم گوشی خودش خاموش است، هم راننده و هم افرادی که با وی بوده‌اند؛ همه نگران‌اند». همین خبر کافی بود تا رسانه‌ها به گمانه‌زنی درباره سرنوشت برادران صدرالساداتی به‌ویژه هدفمند آنان به‌عنوان گزینیه اصلی قابل پیگیری تأکید دارد. این خبر در مشهور به افشاگر مفاسد اقتصادی است، پیردازند و بیش از آنکه اخبار حول محور صدرالساداتی، عضو مجلس خبرگان بچرخد، تحت تأثیر برادر دیگر یعنی مهدی قرار داشت.

پلیس: پیگیری ماجراهای امنیتی به ما ربط ندارد

اشتری در ادامه توییٓت‌نویسی‌های خود نوشت: «الان تماس گرفتم، همسر روح‌الله صدرالساداتی، عضو خبرگان، به پلیس مراجعه کرده تا مفقودشدن شوهرش را اعلام کند. پلیس گفته ماجراهای امنیتی به ما ربط ندارد. رفته خبرگان قم، گفته‌اند پیگیری چنین مسائلی به خبرگان مربوط نیست. جلوی خبرگان دارند رنگ می‌زنند ۱۱۰ که کم‌شدن همسرش را ثبت کند». او همچنین حدود ساعت ۱۲ ظهر پنجشنبه در توییٓتی این‌چنین نوشت: «حقاقل به خاطر مفقودشدن عضو خبرگان رهبری به‌راحتی می‌شود دوربین‌های اتوبان را چک کرد یا از طریق سیگنال موبایل، آخرین نقطه‌ای را که بوده‌اند پیدا کرد».

دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت بازداشت صدرالساداتی را رد کرد

با این توییٓت‌ها، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال بازداشت این افراد در حال

سیاست

برزسی ماجرای ناپدیدشدن یک عضو مجلس خبرگان رهبری

برادران صدرالساداتی کجایند؟

تقویت‌شدن بود که قوه قضائیه قویا هرگونه بازداشت را تکذیب کرد و دادگاه ویژه روحانیت در بیانیه‌ای صدور حکم بازداشت برای این افراد را غیرواقعی دانست. روابط‌عمومی دادسرای ویژه روحانیت اعلام کرد: «نظر به انتشار خبر بازداشت آقای روح‌الله صدرالساداتی و برادرانش در فضای مجازی، به اطلاع می‌رساند هیچ‌گونه اقدام قضائی درخصوص بازداشت مشارالیه‌م از سوی دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت صورت نگرفته است. بدیی‌ه است انتساب و انتشار خبر مزبور موجب تعقیب کیفری خواهد بود.»

ماجرای برادران صدرالساداتی به‌زودی مشخص می‌شود

ادامه انتشارش شایعه‌ها درباره برادران صدرالساداتی، پای سخنگوی قوه قضائیه را نیز به ماجرا کشید. غلامحسین اسماعیلی در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت برادران صدرالساداتی گفت: «همان‌طور که اعلام شده، بازداشت نشده‌اند و بقیه‌ه ماجرا به‌زودی مشخص می‌شود». متغی‌شدن احتمال بازداشت از سوی قوه قضائیه، باعث شد موضوع آدم‌ربایی قوت بگیرد؛ امری که به گفته یک منبع آگاه به خبرگزاری تسنیم، غیرواقعی به نظر می‌رسد. این منبع آگاه گفته است: احتمال ربایش برادران صدرالساداتی‌که از روز چهارشنبه مفقود شده‌اند، متغی بوده و ارزیابی نهاده‌های ذی‌ربط بر اختفای اختیاری و هدفمند آنان به‌عنوان گزینیه اصلی قابل پیگیری تأکید دارد. این خبر در تماس تلفنی «شرق» با منبع آگاه دیگری نیز تأیید شد؛ اما آنچه مهم بود، دریافت اطلاعات از سوی مجاری رسمی اطلاع‌رسانی بود که به کندی انجام می‌شد.

در حال پیگیری هستیم

در ادامه واکنش‌ها، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری نیز اطلاعیه‌ای صادر کرد که در متن آن آمده است: «در پی نشر اخباری مبنی بر ناپدیدشدن حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدروح‌الله صدرالساداتی، نماینده مردم هرمزگان در مجلس خبرگان رهبری، به اطلاع می‌رساند دبیرخانه این مجلس از لحظه انتشار این خبر، پیگیر موضوع بوده و همچنان در حال پیگیری می‌باشد.»

بهرام سرمست، استاندار قم نیز دراین‌باره گفت: دستور پیگیری وضعیت برادران صدرالساداتی به مدیرکل امنیتی و انتظامی استانداری قم داده شده و این موضوع در حال رسیدگی است.

برادران صدرالساداتی در قم هستند

بین تمام اخبار مبتنی بر پیگیری ماجرا، نماینده مردم قم در مجلس

شورای اسلامی در اظهارنظری متفاوت در توییٓتر خود نوشت: «پیگیر موضوع برادران صدرالساداتی شدم، مسئولان مربوطه گفتند احضار و بازداشت نشدند و درحال‌حاضر در قم به سر می‌برند و زندگی عادی خودشان را دارند.»

در ادامه مجتبی ذوالنور، دیگر نماینده قم در مجلس، در گفت‌وگو با فارس با تأکید بر عدم ربایش یا مفقودشدن برادران صدرالساداتی گفت: «این آقایان خودشان در مسیر قم–تهران، یعنی اطراف مجموعه خدماتی مهتاب، تصمیم می‌گیرند موبایل‌های خود را خاموش کنند و به قم برگردند که در نهایت این تصمیم را اجرایی و موبایل خود را خاموش کرده و به قم برمی‌گردند». ذوالنور ادامه می‌دهد: «آنها به منزل برادر آقای غفاری (غفار عباسی‌مراغه‌ای) می‌روند و به کسی هم خبر نمی‌دهند. در واقع آنها در منزل برادر آقای غفاری حضور داشتند و خانواده آنها نیز بی‌اطلاع بودند.»

هرچند اظهارنظر این دو نماینده مجلس هنوز از سوی مراجع رسمی تأیید یا تکذیب نشده است، ارتباط این ناپدیدشدن با افشاکری‌های مهدی صدرالساداتی در فضای مجازی همچنان در رأس اخبار قرار دارد. بین برادران صدرالساداتی، با اینکه روح‌الله عضو مجلس خبرگان رهبری است، مهدی، داماد آیت‌الله مدرسی، از شهرت بسیاری در فضای مجازی برخوردار است. سیدمهدی صدرالساداتی که در اینستاگرام با هشتک «#نه_یه_اشرافی_گری» شناخته می‌شود، پیش از این از برخی مسئولان انتقاد کرده بود؛ انتقادی که البته بی‌پاسخ ماند و منتقدان او، این روحانی را متهم به تدروی کردند. سیدمهدی صدرالساداتی درباره ساخت‌وسازهای لواسان و ماجرای خانه‌های دهنوک و همچنین خانه و باغ‌وحش حسن رعیت، افشاکری‌های بسیاری کرده بود. او برای انتقاداش در آبان سال ۹۷ به اتهام «تشویش اذهان عمومی و اقدام علیه نظام، اخلال در نظم و توهین علیه مأمور نیروی انتظامی» در ماجرای اعتراض‌ها بر سر زمین‌های دهنوک میان ساکنان این منطقه و دانشگاه الزهرا بازداشت شده بود. این طلبه جوان حوزه علمیه، پیش‌تر نیز کمپین‌هایی مانند «#نه_یه_انتقال_آب_کارون» را تشکیل داده بود.

ناپدیدشدن برادران صدرالساداتی اگر خودخواسته یا تحت اجبار خاصی رخ داده است، نیاز به اطلاع‌رسانی دقیق دارد. اینکه آنها در صحت و سلامت هستند، نیازمند تأیید مراجع رسمی است و بررسی حادثه نیازمند توضیح قوه قضائیه تا مشخص شود در آخر هفته گذشته چه بر سر این افراد آمده است.

رئیس‌جمهور زیمبابوه از جمله تقسیم زمین‌های اشغالگران میان کشاورزان سیاه‌پوست را گامی در جهت تحقق خواست‌های ملت این کشور دانستند. محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۹ چهار سال بعد از سفر موگابه به ایران راهی آفریقا و زیمبابوه شد. حزب نخست‌وزیر زیمبابوه این سفر را افتضاح سیاسی خوانده بود. او در این سفر خط مونتاژ کارخانه تراکتورسازی زیمبابوه را افتتاح و به موگابه تراکتور اهدا کرد. شرکت در مراسم افتتاحیه نمایشگاه تجاری بولاویا، از جمله دلایل سفر محمود احمدی‌نژاد به زیمبابوه بود. نمایشگاهی که برای جلب کمک و سرمایه‌گذاری خارجی بود و تعدادی از کشورهای جنوب آفریقایی و چند کشور آسیایی نیز در آن شرکت کرده بودند. البته قبل از این سفر احمدی‌نژاد در اولین سفر خود به کشوری اروپایی برای شرکت در کنفرانسه درباره بحران جهانی غذا به رم رفت. در این سفر برلوسکونی نخست‌وزیر وقت ایتالیا و بان کی مون دبیرکل سابق سازمان ملل به عنوان میزبان این کنفرانس محمود احمدی‌نژاد و رابرت موگابه را در مراسم تشریفاتی شام برای رهبران حاضر در کنفرانس، دعوت کردند.

رئیس‌جمهوری با دلائل صورت‌نمود

موگابه همواره از سیاست‌های ایران حمایت می‌کرد. او حتی از حامیان برنامه هسته‌ای ایران بود؛ یعنی زمانی که ایران تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی قرار داشت. او حتی در دیدار خود با مقام معظم رهبری در سال ۹۱ از «عملکرد غرب در سورهیه، اختلاف بین دو کشور و خبر رباست ایران بر جنبش عدم تعهد در «خبر بسیار خوبی» دانست. او در مراسم تحلیف حسن روحانی در سال ۹۲ نیز از جمله سران کشورهایی بود که در تهران حضور داشتند. موگابه آخرین بار نیز در حالی که ۹۳ سال داشت در مراسم تحلیف روحانی روانه تهران شد. در این سفر با رئیس‌جمهوری ایران هدف استقاده می‌شود. آدمه تورو همواره دوست ایران بوده است. او در این سفر نیز خواهان روابط گسترده و همکاری نزدیک با ایران شد. هرچند مدتی بعد تحت فشار ارتش استعفا داد و بعد از ۳۰ سال از قدرت کنار رفت. دیروز برخی رسانه‌ها او را دیکتاتور و برخی رئیس‌جمهور سابق زیمبابوه دانستند.

علی ربیعی، رئیس‌جمهوری ایران

به مردم آفریقا تمام شخصیت معنوی آنها را بشکند اما خیز مقاومت سبب شد که هویت، حیثیت و شان خود را حفظ کند». او گفت آفریقا باید به یک قاره ثروتمند و تأثیرگذار در صحنه جهانی تبدیل شود و در این زمینه زیمبابوه می‌تواند یک نیروی بسیار برجسته باشد. موگابه در این سفر ایران را یکی از دوستان بزرگ کشورش دانست و با تأکید بر اینکه هیچ‌گاه این موقعیت را از دست نخواهند داد، بر تلاش برای اجرای موافقت‌نامه‌ها تأکید کرد. موگابه خواهان روابط بیشتر دولت ایران و زیمبابوه در عرصه‌های مختلف شد و به مقام معظم رهبری و ملت ایران سلام رساند.

اوج روابط ایران با آفریقا

از سال ۸۴ به بعد روابط ایران با کشور‌های آفریقایی از جمله زیمبابوه گسترش پیدا کرد. به طوری که موگابه در دولت‌های نهم و دهم دو بار به ایران سفر کرد و به دیدار مقام معظم رهبری هم رفت. این کشور در این سال‌ها درگیر بحران اقتصادی شده بود و نرخ تورم در آن به صورت فزاینده‌ای بالا بود. بنابراین موگابه به کمک‌های خارجی احتیاج داشت. او سال ۸۵ به ایران سفر کرده بود. در این سفر مقام معظم رهبری او را از شخصیت‌های برجسته و شجاع آفریقا خواندند و اقدامات قانونی

خاطره ربیعی از مادر قذافی و مأموریت لیبی

محرم غذا نمی‌پخت؛ چراکه فرزندان امام حسین(ع) در عاشورا نان و غذا نداشتند.»

او افزود: «اثر وجودی امام حسین(ع) پس از هزار و ۴۰۰ سال هنوز هم برای زندگی امروز تازگی دارد. این جاودانگی را در جاودانگی ائمه از حضرت علی(ع) تا امام حسین(ع) می‌توان یافت.»

سخنگوی دولتی افزود: «چرا حضرت علی(ع) جاودانه نشود وقتی در محکمه‌ای که حضرت و فرد پهلوی که زره او را برداشته بود، با اینکه ایشان در خلافت اسلامی حاکم سرزمین‌های گسترده‌ای بود و قاضی شیعه هم منصوب او بود نه گوش به فرمان او، حق را به فرد یهودی می‌دهد و تسلیم رای و نظر قاضی می‌شود».ربیعی با بیان اینکه قیام امام حسین(ع) نیز پر از آموزه‌های جاودانگی است، افزود: «اگر صحنه کربلا را مانند یک تابلو تصویر کنیم همه شخصیت‌های زشت و زی‌بای آن بر از پیام هستند و برای بشریت درسی دارند.»

توضیح و تصحیح

در پی چاپ مصاحبه‌ای با عنوان «احسان شریعتی: به‌دنبال راه سوم نیستیم» در تاریخ چهارشنبه ۱۳ شهریور، آقای احسان شریعتی توضیحی را برای روزنامه فرستادند که منتشر می‌شود: «سلام و درود. توضیح در مورد نحوه انعکاس‌های مطبوعاتی:هفته گذشته به دعوت دوستان خبرنگار جوان (از سایت جماران)، مصاحبه‌ای داشتم پیرامون میحث «رفراندم»، نو‌میدی جوانان، در اشاره به شرایط سیاسی کنونی کشور و جهان، که در چند روزنامه نیز انعکاس یافت. با دیدن عناوین روزنامه‌ها، نکته عجیب و تأمل‌برانگیز اشتباهات و سوءبرداشت‌هایی بود که می‌توانست از تیترا ه و لیدها در ذهن خواننده پدید آید:برای نمونه، در صفحه اول روزنامه شرق تیتِ اصلی کل مطلب این بود که «به‌دنبال راه سوم نیستیم»، در حالی‌که درست به‌عکس، متن می‌گفت که در برابر قهر و سازش، در جست‌وجوی «راه سوم» هستیم! همین نمونه (در کنار مثال‌های دیگر از جمله اینکه نه درخواستی از مرجعی صورت گرفته، نه توصیه‌ای به کسی شده و نه ….. بلکه فقط و فقط تحلیل و نقادی کار بوده)، نشان می‌دهد که در سایر نقل قول‌ها، نحوه تقطیع و گزینش و چینش‌ها نیز باید احتیاط کرد و برای محافظت از «منظور» اظهارات در آینده تا جای ممکن از پذیرش مصاحبه و حضور مطبوعاتی و رسانه‌ای گسترده اجتناب و پرهیز کرد.

خبر

فرمانده کل سپاه:

مذاکره، بازی در میدان دشمن است

● **سپاه‌نیزو:** فرمانده کل سپاه انقلاب اسلامی، در جمع فرماندهان و کارکنان سپاه امام صادق(ع) استان بوشهر گفت: «امروز همه ما مکلف به دفاع از اسلام، حرمت مسلمانان و آزادسازی آنان از بردگی جاهلیت مدرن هستیم». سرلشکر سلامی در ادامه با اشاره به تقابل نظام سلطه‌گر و جاهلی آمریکا و متحدانش علیه انقلاب و نظام اسلامی و تأکید بر اینکه ایران تنها کشوری است که آمریکا اعتبار از‌دست‌رفته خود را در مذاکره با مقامات او می‌بیند، گفت: «البته هیچ‌کس با آمریکا مذاکره نمی‌کند؛ زیرا مذاکره، بازی در میدان دشمن و هدف اوست و هیچ‌کس دشمن را در مسیر رسیدن به هدف یاری نمی‌کند». او افزود: «ما موخته‌ایم برطرف‌کردن مشکلاتمان از طریق دشمن ناممکن است. ما می‌دانیم راه‌حل مشکلاتمان از درون اراده‌ها و باورهای جوانان این دیار می‌گذرد».

فرمانده کل سپاه با اشاره به ۱۲ پیش‌شرط اولیه آمریکایی‌ها برای مذاکره با ایران گفت: «آن ۱۲ شرط آمریکایی‌ها برای مذاکره کجاست؟ و امروز آمریکا نشان می‌دهد بسیار کوچک‌تر از آن است که در عملیات روانی دیده می‌شود».

ادامه از صفحه اول

گفت‌وگو با مردم در مسیر انتخابات

افرادی که با شعارهای معیشتی و حمله به دولت به صحنه بیایند، تصور موفقیت دارند؛ اما صداقت سیاسی حکم می‌کند نامزدهای مستقل و اصلاح‌طلبان منافع ملی را در نظر گرفته و از شعارهای فریبنده دوری کنند. مشکلات و تنگناهای زیادی در مسیر اصلاح‌طلبان وجود دارد، تلاش این جناح این است که بتواند از طریق ساختار حزبی در انتخابات نقش ایفا کند و در واقع راهی غیر از این ندارد. بیایند به ضوابط دموکراتیک، جزء اصولی است که اصلاح‌طلبان همواره مدنظر داشته و دارند. ما در عین اینکه ادعان داریم در مسیر دموکراسی از بسیاری از جوامع اطراف کشورمان پیشرفته‌تر هستیم و فضای سیاسی پیشرفته‌تری داریم، از جوامع پیشرفته عقب‌تر هستیم. اعتقاد ما بر این است که اگر مسیر انتخابات از شفافیت برخوردار باشد و با تکیه بر تحرّز پیش رود، انتخاباتی سالم خواهیم داشت. در دوره‌های گذشته گروهی که شور و حال به فضای انتخاباتی می‌دادند، اصلاح‌طلبان بودند. آنها همیشه موتور محرکه جامعه برای شرکت در انتخابات بوده‌اند؛ اما در این دوره از انتخابات، این جریان برای ارتباط‌گیری با لایه‌های اجتماعی، کار دشواری در پیش دارد. دانشگاه یکی از مکان‌های اصلی است که برگزاری جلسات و مناظرات مختلف در آن به فضای انتخاباتی شوروحال خاصی می‌دهد و امیدواریم مدیریت دانشگاه‌ها همراهی لازم را برای برگزاری مناظرات با حضور سلیقه‌های مختلف داشته باشند و در برخورد با برگزاری جلسات و سخنرانی‌ها، بازتر عمل کنند تا در مقطع باقی‌مانده شاهد فضای انتخاباتی پرپرا و فعالی باشیم. من به فضای سیاسی پیش‌روی انتخابات بدبین نیستم؛ چراکه هنوز حساسیت و نگرانی بین مردم وجود دارد و نتیجه انتخابات و اینکه در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد، برای آنها اهمیت بالایی دارد؛ به شرط آنکه دست‌کم حامیان تفکر اصلاح‌طلبی، مسائل را مدافعه با مردم در میان گذشته و کاستی در عملکرد برخی افراد با نمایندگان وابسته به خود را نیز مورد نقد قرار داده و برای رفع آن، راهکار اجرایی ارائه دهند.